



بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی - 17 دی / 1393

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنم به همهی برادران، خواهران، علمای محترم، جوانان عزیز و تبریک عرض میکنم میلاد مسعود نبی معظم و مکرّم اسلام و امام صادق (علیه الصلوة والسلام) را به همهی شما و همهی ملت ایران و به همهی امت اسلامی.

آنچه در درجهی اوّل به مناسبت نوزدهم دی ماه که یک روز تاریخی و بزرگ و تعیین کننده است، لازم است عرض بکنم تشکر از مردم عزیز قم است، به خاطر اینکه نگذاشتند و نخواهند گذاشت که این حادثه به دست فراموشی سپرده بشود؛ چون انگیزه‌هایی وجود دارد برای فراموش کردن و در طاق نسیان گذاشتن (۱) این روزهای بزرگ و این حوادث بزرگ؛ کار میکنند و تلاش میکنند برای اینکه سوابق تعیین کننده و عموماً افتخارآمیز برای انقلاب و دوران دفاع مقدّس و امثال اینها، فراموش بشود. نهم دی را هم میخواهند به فراموشی بسپرنند. حادثه‌ی عاشورای حسینی را هم ستمگران و ظالمان میخواستند نگذارند باقی بماند، زینب کبرا (سلام الله علیها) نگذاشت. دو حرکت عمده‌ی ما - زینب کبرا (علیها السلام) - انجام داد: یک حرکت، حرکت اسارت بود به کوفه و شام و آن روشنگری‌ها و آن بیانات که مایه‌ی افشای حقایق شد؛ یک حرکت دیگر، آمدن به زیارت کربلا در اربعین بود؛ حالا اربعین اوّل یا دوّم یا هرچه. این حرکت به معنای این است که نباید اجازه داد که انگیزه‌های خباثت‌آلودی که قصد دارند مقاطع عزیز و اثرگذار و مهم را از یادها ببرند، موفق بشوند؛ البته موفق هم نخواهند شد. تا ملت‌ها زنده‌اند، تا زبانهای حق گو در کار است، تا دل‌های مؤمن دارای انگیزه هستند، نخواهند توانست این را به فراموشی بسپرنند؛ همچنان که نتوانسته‌اند. این انگیزه‌های معاند و معارض در صدر اوّل تا دورانهای طولانی باقی بود؛ یعنی متوکل عباسی بعد از حدود ۱۷۰ یا ۱۸۰ سال از حادثه‌ی عاشورا، درصد برآمد قبر مطهر ابا عبد الله (علیه السلام) را تخریب کند؛ یعنی ملت ایران حال‌احالاها باید منتظر باشد که دشمنان به کارها و فتنه‌ها و خباثت‌های خودشان برای اینکه زیبایی‌های انقلاب از یاد برود ادامه بدهند. دشمن دست بر نمیدارد؛ تا انقلاب را یا تحریف کنند یا به دست فراموشی بسپرنند و کاری کنند که ملت حرکت خود، سابقه‌ی خود و کار بزرگی را که کرده است فراموش کند، دچار نسیان و غفلت بشود؛ کسی که گذشته‌ی افتخارآمیز خود را نمیداند، نمیتواند در آینده هم حوادث افتخارآمیز برای خودش درست کند، این تلاش را دشمنان دارند میکنند.

نوزدهم دی را شما زنده نگه داشتید، بیست و نهم بهمن را زنده نگه داشتید، بیست و دوّم بهمن را زنده نگه داشتید، نهم دی را - که یک حادثه‌ی مشابه بود - با انگیزه‌های مشخص زنده نگه داشتید؛ این یک حرکت مجاهدت‌آمیز در مقابل دشمنان است، آنها میخواهند حقایق انقلاب تحریف بشود، به دست فراموشی سپرده بشود؛ پول خرج میکنند، کار دارند میکنند. کسی که آشنا باشد، آگاه باشد با دنیای کتاب و مطبوعات و مقاله میببیند که دشمنان چه کار دارند میکنند؛ امروز اینها سعی میکنند چهره‌ی خاندان خبیث و منحوس پهلوی را - رژیم فاسد و وابسته و خبیث و ظالم که کشور ما را سالهای متمادی به عقب انداختند و ملت ایران را آن‌جور دچار مشکلات عظیم کردند - بزرگ کنند، آرایش کنند امروز سعی می‌شود [توسط] همان جبهه‌ی مقابل نظام اسلامی. پشتیبانها همان کسانی هستند که با اصل انقلاب مخالف بودند، با مردمی که انقلاب کردند مخالف بودند، با وفاداری این مردم به انقلاب بشدّت مخالفند. تا کنون موفق نشدند؛ امید بسته بودند بلکه بتوانند نسل دوّم و سوّم انقلاب را روی گردان کنند، نتوانستند. نسل سوم انقلاب را نتوانستند از انقلاب روی گردان کنند. نهم دی را همین جوانها، همین نسل سوّم انقلاب به راه انداختند؛ آن حادثه‌ی عظیم را به وجود آوردند؛ آن سیلی محکم را به صورت کسانی نواختند که سعی‌شان این بود که مسیر حرکت اسلامی را با ایجاد فتنه منحرف بکنند؛ این کار را چه کسی کرد؟ جوانها کردند، نسل سوّم انقلاب کردند. امروز چشم



دوختند به نسلهای بعدی، به جوانهای بعدی، چون میدانند سرمایه‌ی ملت ایران مردمند. این انگیزه‌ها در آنها وجود دارد؛ تا وقتی شما جوانهای خوب و مردم مؤمن در میدان هستید، با انگیزه هستید، با بصیرتید، آگاهید که چه کار دارید میکنید، البته نخواهند توانست.

خب، نوزدهم دی چه بود؟ همه میدانند که نوزدهم دی مبدأ یک حرکت عمومی در میان ملت ایران شد. این آتش، زیر خاکستر بود، روزی‌روز هم گسترش پیدا میکرد، اما بُروز آن و شعله‌ور شدن آن، از نوزدهم دی شد، به دست قمی‌ها شد؛ بعد منتهی شد به حرکتهای گوناگون؛ و ملت ایران یکپارچه وارد میدان شدند، لیبیک گفتند به امام عزیز و شجاع و الهی و معنوی‌شان و گلاویز شدند با رژیم فاسد. این رژیمی که ملت با آن گلاویز شد، چه بود؟ چه کسی بود؟ این خیلی مهم است. دو سه خصوصیت را من عرض میکنم؛ چون عرض کردم امروز انگیزه‌ها وجود دارد برای تحریف، یعنی سعی میکنند چهره‌ی خبیث‌ترین و زشت‌ترین و سیاه‌ترین عناصر حکام تاریخی اواخر این ملت را به شکلی آرایش کنند که حقیقت برای مردم مکشوف نشود و نفهمند با این انقلاب چه کردند.

یکی از خصوصیات آن رژیم فاسد، دیکتاتوری سیاه و خفقان عجیب علیه مردم، با قساوت‌آمیزترین روشها [بود] که ممکن است در جاهای دیگری از کشورها هم وجود داشته باشد. در اینجا خود ما از نزدیک مشاهده کردیم که چه میکردند و چه رفتاری داشتند با آحاد مردم؛ هم در دوران رضاخان که گذشتگان ما، بزرگ‌ترهای ما آن را دیده بودند و برای ما نقل کردند، هم در دوران اخیر، که خود ماها، آحاد مردم، در میدان بودیم. جوانها البته آن دوران را ندیدند. حرفهای فراوان و موثق [وجود دارد] از آنچه اینها با مردم، با مبارزین و با کسانی که انتقاد داشتند - ولو انتقادهای اندک - داشتند انجام میدادند؛ رفتارهایی که اینها میکردند، آن شکنجه‌ها، آن فشارهای عجیب و غریب جسمی و روحی، آن زندانهای مخوف، که امروز برخی از نشانه‌های آنها هست که افراد میروند می‌بینند تعجب میکنند. یکی از کارها این بود، اینها با قدرت زور و استبداد و فشار بر مردم، حکومت خودشان را ادامه میدادند؛ و همین کسانی که امروز دم از حقوق بشر میزنند و این ادعاهای رسوا را مرتب، پی‌درپی تکرار میکنند، با همه‌ی وجود طرف‌دار اینها بودند؛ نمیشود هم گفت خبر نداشتند، چرا! دستگاه جهتمی ساواک را خود صهیونیست‌ها و خود آمریکایی‌ها و سیای آمریکا به وجود آورده بودند، روشها را آنها بهشان یاد داده بودند، چطور ممکن بود خبر نداشته باشند. حالا که اخیراً معلوم شد خود اینها هم دچار یک چنین مشکلات عظیمی هستند؛ این افشاگری‌هایی که در این اواخر انجام گرفت نسبت به رفتار سازمانهای جاسوسی آمریکا با مخالفین و معاندین، اینها کجا، سخن از آزادی بیان و لیبرالیسم و دموکراسی و اعتنای به حرف مردم کجا! (۲) اصلاً عالم عجیبی است! در کشور ما، آن رژیم خبیث، یکی از خصوصیاتش این بود: شدت عمل، قساوت کامل نسبت به هرکسی که اندک اعتراضی به آنها داشت و مطلع میشدند.

خصوصیت دوم، وابستگی ذلت‌آمیزی بود که اینها به قدرتهای خارجی داشتند. حالا در این کتابهایی که برای تبرئه و بی‌گناه نشان دادن رژیم خبیث پهلوی مینویسند، این را منکر میشوند، که [البته] قابل انکار نیست. رضاخان به



دستور انگلیسی‌ها آمد، به دستور انگلیسی‌ها هم رفت؛ بمجرد اینکه انگلیسی‌ها پیغام دادند که باید برود، بعد از هفده هجده سال سلطنت، ناچار [رفت]؛ یعنی پشتیبان دیگری نداشت؛ آنها او را آورده بودند، حالا هم لازم میدانستند او برود، رفت؛ به دستور انگلیسی‌ها آمد، به دستور انگلیسی‌ها رفت. بعد هم که محمدرضا را انگلیسی‌ها سر کار آوردند تا آخر دهه‌ی ۲۰، از اوایل دهه‌ی ۳۰ آمریکایی‌ها وارد میدان شدند، همه‌ی امور را قبضه کردند و در اختیار گرفتند؛ سیاستها سیاستهای آمریکا [بود]؛ آنچه منافع آمریکا ایجاد میکند، چه در رفتار داخلی، چه در رفتار منطقه‌ای، چه در رفتار بین‌المللی؛ عیناً آنچه آنها لازم میدانستند؛ یعنی یک تحقیر عظیم ملت ایران. این یکی از خصوصیات آن رژیم خبیث این بود. اینکه شما می‌بینید آمریکایی‌ها با چه لجی، با چه دشمنی و بغضی به ملت ایران و به انقلاب اسلامی و به نظام اسلامی نگاه میکنند؛ به خاطر این است. اینها یک چنین دورانی را گذراندند؛ چنین کشوری، چنین نظامی از دست آنها رفته است؛ لذا دشمنی آنها با انقلاب تمام‌شدنی نیست.

خصوصیت سوّم این رژیم خبیث، فساد بود. انواع فساد، از فسادهای جنسی بگیرید که مبتلابه تقریباً همه‌ی درباری‌ها و دوروبری‌ها و مانند اینها بود که دیگر حالا داستانهایش شرم‌آور است. آن روز خیلی از آحاد مردم هم میدانستند، اگرچه جرأت نمیکردند بر زبان بیاورند. گاهی از قلم خارجی‌ها درمیرفت، چیزهایی را میگفتند فساد جنسی، فساد مالی، نه فقط در سطوح متوسط که هر وقتی ممکن است پیش بیاید؛ نخیر، در عالی‌ترین سطوح کشور. از طرف شخص محمدرضا و دوروبری‌هایش، بالاترین فسادهای مالی، بزرگ‌ترین رشوه‌ها، بدترین دست‌اندازی‌ها، خباثت‌آلودترین فشارها بر منابع مالی ملت به‌وجود می‌آمد. برای خودشان ثروت درست میکردند به قیمت فقیر کردن مردم و بیچاره کردن مردم. فساد، فساد جنسی، فساد مالی، اعتیاد، ترویج اعتیاد و ترویج مواد مخدر صنعتی به‌وسیله‌ی عناصر اصلی حکومت آن روز در ایران به‌وجود آمد و اتفاق افتاد. یکی از خواهرهای محمدرضا را در فرودگاه سوئیس با چمدان پر از هروئین، پلیس سوئیس دستگیر کرد! [خبر آن در] همه‌ی دنیا پیچید، منتها زود ماست مالی کردند؛ خب مربوط به خودشان بود؛ قضیه را برطرف کردند، گره را باز کردند؛ یک چنین وضعیتی [بود].

بی‌اعتنائی به مردم؛ از جمله‌ی خصوصیات مهمّ رژیم طاغوت بی‌اعتنائی به مردم بود؛ مردم به‌هیچ‌قیمت به‌حساب نمی‌آمدند. ما در دوران عمرمان، در دوران جوانی در رژیم گذشته، یک بار هم نه در انتخاباتی شرکت کرده بودیم، نه از مردم کوچه و بازار معمولی می‌شنیدیم که شرکت کنند؛ انتخاباتی وجود نداشت. در یک برهه‌ای خیلی صریح، در یک برهه‌ای کمتر صریح، دخالتهای آنها بود؛ یک مشت مزدور را می‌بردند، می‌نشانند آنجا و به‌وسیله‌ی آنها در مجلس شورا و مجلس سناکار خودشان را انجام میدادند. مردم اصلاً نمیدانستند چه کسی در رأس کار است؛ اصلاً رابطه‌ی بین مردم و حکومت قطع بود. آگاهی مردم، اطلاع مردم از مسائل کشور، از مسائل سیاسی که شما امروز می‌بینید، این درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که آن روز وجود داشت؛ رژیم خبیث بکل منقطع بود با آحاد مردم.



بی‌اعتنائی به پیشرفت علمی، ترویج خودکم‌بینی ملی و بزرگنمایی غربی؛ حالا کار علمی که پیشرفت نمی‌کرد، حرکت علمی به معنای واقعی کلمه که اصلاً وجود نداشت، در رسانه‌ها ذائقه‌ی مردم را به واردات عادت دادند که این عادت متأسفانه تا امروز باقی است. عادات طولانی‌مدتی که برای مردم به وجود می‌آید، به آسانی از بین نمی‌رود. اینها به جای کشاندن کشور به سمت احیای تولیدات داخلی و منابع حقیقی یک ملت، مردم را با پول نفت عادت دادند به واردات؛ ذائقه‌ی مردم را عوض کردند؛ کشاورزی کشور را نابود کردند، صنایع واقعی و ملی کشور را از بین بردند، کاملاً کشور را وابسته کردند به خارج و به دشمنان این ملت. ملت را تحقیر کردند، توانایی‌های ملت را دست‌کم گرفتند، به زبان آوردند، فرهنگ غربی را بزرگنمایی کردند؛ یک رژیم هفت‌جوش (۳) خبیث جامع همه‌ی بدی‌ها. خب، مردم هم احساس می‌کردند؛ ملت ایران ملت باهوشی است، حقایق را می‌فهمند، احساس می‌کنند، منتها یک دستی لازم است، یک صدای رسایی لازم است، یک دل مؤمنی لازم است که دیگران را وارد به میدان مبارزه کند؛ مبارزات گوشه و کنار بود، اینکه مردم بیایند وارد میدان بشوند، این کار یک مرد الهی بود که خدای متعال این مرد الهی را به مردم داد؛ امام بزرگوار ما همان فریادی شد که همه‌ی خواسته‌های مردم را در خود جمع داشت؛ مردم هم پاسخ گفتند، اجابت کردند، جان دادند، فداکاری کردند، وارد میدان شدند؛ ملت با چنین رژیمی گلاویز شد و پیروز شد.

علت دشمنی دشمنان با نظام اسلامی در درجه‌ی اول همین است که در یک نقطه‌ی حساس، در یک کشور ثروتمند، در یک کشور از لحاظ موقعیت راهبردی فوق‌العاده مهم - که اینها توانسته بودند یک رژیم دست‌نشانده‌ی فاسد متصل و مرتبط به خودشان را در آنجا احیا کنند و تقویت کنند - در یک چنین جایی، اسلام، ملت، آرمانهای مردمی، آمده است و جایگزین شده است؛ اعتنائی به خواسته‌های دشمنان ندارد؛ درست در جهت مقابل آن جهاتی که آن رژیم حرکت می‌کرد حرکت می‌کند. بزرگ‌ترین خدمت حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی این بود که مردم را از شر آن رژیم خلاص کرد. همه‌ی آنچه بعداً پیش آمده است تا امروز، این عزت ملی، این حرکت عظیم مردمی، این آگاهی و بصیرت عمومی، این پیشرفت علمی، این جایگاه برجسته‌ی ایران در جهان و در منطقه، اینها همه و همه به خاطر این است که آن مانع بزرگ از پیش پای ملت برداشته شد؛ و این را مردم انجام دادند؛ این را دین انجام داد؛ این را اعتقادات انجام داد.

امروز جبهه‌ی استکبار در تلاش و معارضه‌ی با این نظام است؛ هیچ‌کس تصوّر نکند که دشمن از دشمنی چشم می‌پوشد؛ نه، آن‌وقتی که شما قوی باشید، آن‌وقتی که شما آماده باشید، آن‌وقتی که شما دشمن را و ترفندهای دشمن را بشناسید، دشمن بناچار از دشمنی دست خواهد کشید؛ آن‌وقتی که شما دچار غفلت باشید، به دشمن اعتماد کنید، آن‌وقت دشمن فرصت پیدا خواهد کرد که مقاصد خود و هدفهای خود را در کشور به وجود بیاورد. فشاری که امروز از ناحیه‌ی استکبار بر ملت ایران وارد میشود، ناشی از همان دشمنی عظیم و تمام‌نشده است؛ دشمنی تمام‌نشده است. ملت ایران در مقابل این دشمنی ایستاده است، مقاومت کرده است، نظام جمهوری اسلامی را حفظ کرده است، راه خود را به سمت آرمانها دارد پیش می‌برد؛ علی‌رغم حرفهای نسنجیده و غلطی که در مورد بی‌توفیقی ملت ایران در این راه گاهی بر زبانها جاری میشود، ملت ایران توفیقات بسیار بزرگی تا امروز به دست آورده است. ملت ایران راه را خوب طی کرده است، ملت ایران توانسته است در مقابل فشارهای دشمن مقاومت کند، توانسته است خود را حفظ کند، توانسته است رشد کند، توانسته است خود را به آرمانها نزدیک کند.



ما همیشه میگوییم، بارها گفتیم که ما نتوانستیم خواسته‌های اسلام را به‌طور کامل تحقق ببخشیم، این قطعی است؛ اما ما راه زیادی در این زمینه طی کردیم. ما نتوانستیم عدالت اجتماعی را به‌طور کامل در این کشور به‌وجود بیاوریم اما خیلی از راه را جلو آمدیم. نباید اینها ندیده گرفته بشود. یک‌روزی همه‌ی ثروت این کشور صرف تعدادی خانواده‌های اشرافی [می‌شد] و احیاناً سرریز آن به چند شهر بزرگ می‌رسید؛ امروز اقصی نقاط کشور برخوردار از خیرات این کشورند. این حرکت عظیم، حرکت به سمت عدالت اجتماعی، حرکت به سمت اخلاق اسلامی [وجود دارد]. حالا می‌شنویم گاهی اوقات راجع به اخلاق حرف زده می‌شود، انتقاد میکنند؛ بله؛ با آن اخلاق اسلامی مطلوب، امروز ما فاصله داریم، در این شکی نیست؛ اما ما خیلی پیش رفتیم، راه زیادی را ملت ایران طی کردند، اینها را ندیده نگیرند. پیشرفتهای علمی را بعضی‌ها نابخردانه انکار میکنند؛ چرا انکار میکنید؟ این ملت پیشرفت علمی کرده است، اینکه ادعای ما نیست، این را دشمنان ما، پایگاه‌های علمی بین‌المللی دارند شهادت میدهند؛ آن وقت یک عده‌ای بیایند انکار کنند، ملت را تحقیر کنند؛ اینها خطا است، ندیدن آن حرکت عظیم و پیشرفت بزرگی که نظام مقدس اسلامی برای این کشور پیش آورده است، بی‌انصافی است، خطا است. بله، البته راه طولانی‌ای در پیش داریم؛ ما به آرمانهایمان هنوز نرسیده‌ایم؛ آرمانهای اسلامی خیلی بالاتر از این حرفها است. در صدر اسلام هم همین حرکت وجود داشت؛ آنجا هم میانه‌ی راه بودند. شما خیال نکنید در صدر اسلام، در زمان پیامبر مکرّم و خلفای آن حضرت، مردم به نهایت آرمانها رسیدند؛ نه، مهم این است که یک کشور حرکت بکند؛ ملت ما در حال حرکت است. این حرکت را با حرفهای نسنجیده، با اظهارات ناپخته و غلط خراب نکنند. کاری نکنند که در ملت از این حرکت عظیمی که شروع کرده است و با امید دارد پیش میرود، تردید ایجاد کند. ملت پیش رفته است؛ کارهای بزرگی انجام گرفته است؛ این را دنیا دارد شهادت میدهد. کسانی که از کشورهای دیگر می‌آیند، آنها دارند شهادت میدهند؛ زبان به تحسین ملت ایران را فقط ما باز نکردیم، مخالفین ما هم باز کردند، دشمنان ما هم باز کردند. ملت ایران دارد تحسین میشود به‌خاطر اقتدارش، به‌خاطر ایستادگی‌اش، به‌خاطر استعدادش، به‌خاطر توفیقات بزرگی که در این راه به دست آورده است؛ تحسین میکنند ملت ایران را.

امروز آن چیزی که لازم است برای ملت ما، اولاً اتحاد و اتفاق ملّی است. دودسته کردن مردم، جدا کردن مردم، شعارهای تفرقه‌انگیز دادن میان مردم - به هر عنوانی - خطا است؛ این بر ضدّ منافع ملت ایران و بر ضدّ آرمانهای ملت ایران است. اتحاد و اتفاق. مردم مسئولین را کمک کنند، دولت را کمک کنند.

دولتی‌ها هم بدانند که آنچه میتواند آنها را بر انجام وظیفه‌ی خودشان قادر کند تکیه بر نیروی داخلی است؛ تکیه بر نیروی مردم است. من بارها این را عرض کردم در جلسات عمومی و همچنین در جلسات خصوصی با مسئولین دولتی، نگاهشان به دست بیگانه نباشد. بله، امروز دشمنان برای ملت ایران با تحریم مشکل درست کردند؛ خوب، حالا اگر آمدند شرط برداشتن تحریم را یک چیزی قرار دادند که شما غیرت نمیکنید که آن را انجام بدهی؛ چه کار میکنید؟ شرط میگذارند دست از اسلام بردارید، دست از استقلال بردارید، دست از حرکت به سوی علم بردارید، دست از فلان پدیده‌ی افتخارآمیز بردارید تا ما تحریم را برداریم؛ شما چه کار میکنید؟ قطعاً قبول نمیکنید. یقیناً هیچ مسئولی در کشور قبول نمیکند که شرط برداشتن تحریمها، مثلاً فلان مسئله‌ی اساسی و فلان مسئله‌ی آرمانی باشد.



البته دشمن فعلاً نمی‌آید با آرمانها، معارضه‌ی صریح بکند؛ چرا، اگر ما عقب‌نشینی کردیم، به‌صراحت هم میرسد؛ اما امروز این‌جور نیست که دشمن صریح بیاید با آرمانها معارضه بکند و شرط قرار بدهد لکن باید هوشیار بود؛ فهمید که این پیشنهاد، این حرف، این اقدام ازسوی دشمن با چه هدفی دارد انجام میگیرد. خوب، هیچ مسئولی معلوم است که راضی نیست و موافق نیست که در مقابل دشمنان کوتاه بیاید و برای اینکه مثلاً تحریمها برداشته بشود یا کم بشود، از آرمانها دست بردارند؛ خیلی خوب، حالا که این‌جور است، پس شما بیایید کاری کنید که کشور در مقابل تحریمها مصونیت پیدا کند؛ اقتصاد مقاومتی یعنی این. فرض را بر این بگذارید که دشمن، برداشتن تحریم را متوقف به چیزی میکند که شما حاضر نیستید آن را قبول کنید - این‌جور فرض کنید قضیه را - کاری کنید که تحریم بی‌اثر بشود. بارها ما گفته‌ایم کاری کنید که وابستگی مالی کشور به نفت کم و کم و کمتر بشود؛ خوب، شما ملاحظه میکنید در ظرف مدّت کوتاهی قیمت نفت را به نصف میرسانند. وقتی ما وابسته به نفت باشیم، مشکل برای ما درست میشود؛ این فکر را باید کرد. از جمله‌ی بزرگ‌ترین مسئولیتهای مسئولین کشور همین است که کاری کنند اگر دشمن دلش نخواست تحریم را بردارد، به رونق کشور و پیشرفت کشور و رفاه مردم ضربه‌ای وارد نشود؛ راه آن چیست. راه آن این است که مراجعه کنیم به درون کشور، به درون ملت، از نیروهای درونی کشور استفاده کنیم و راههایی وجود دارد؛ آدمهای صاحب‌نظر، آدمهای کارشناس و بااخلاص، گواهی میدهند که راههایی وجود دارد که انسان بتواند به خودش متکی باشد. این وظیفه‌ی مسئولین کشور و مسئولین دولتی است، چشم ندوزند به دست بیگانه؛ بیگانه یک‌وقت مایل است فشار وارد بیاورد، شما هرچه عقب‌نشینی کنید، می‌آیند جلو؛ هرچه شما یک قدم عقب بروید، آنها یک قدم می‌آیند جلو؛ دستگاه استکبار، دستگاه ترحم و انصاف و انسانیت و ملاحظه که نیست؛ هرچه شما عقب بروید، آنها جلو می‌آیند. فکر اساسی بکنید.

فکر اساسی این است که کاری کنید که کشور از اخم دشمن ضربه نبیند، از تحریم دشمن لطمه نخورد؛ و راههایی هست، کارهایی هست که میشود کرد؛ بعضی را هم کرده‌اند و موفق بوده است و جواب داده است؛ میشود کارهایی کرد؛ میشود این حربه را از دست دشمن گرفت، والا اگر چنانچه چشم ما به دست دشمن باشد که «آقا، اگر این کار را نکردی تحریم باقی میماند» [فایده‌ای ندارد]؛ کما اینکه آمریکایی‌ها با کمال وقاحت دارند میگویند «اگر در قضیه‌ی هسته‌ای ایران کوتاه هم بیاید، تحریمها یکجا و همه برداشته خواهد شد»، این را صریح دارند میگویند. این نشان‌دهنده‌ی این است که به این دشمن نمیشود اطمینان کرد نمیشود اعتماد کرد. من با مذاکره کردن مخالف نیستم؛ مذاکره کنند؛ تا هروقت میخواهند مذاکره کنند! من معتقدم باید دل را به نقطه‌های امیدبخش حقیقی سپرد، نه به نقطه‌های خیالی نه به نقطه‌های خیالی، آنچه لازم است این است. خوب، مسئولین کشور بحمدالله مشغولند، تلاش میکنند، کار میکنند، بنده هم عقیده‌ام این است که همه باید به دستگاه‌های مسئول کمک کنند، به دولت همه باید کمک کنند؛ چون کار سخت است، دشوار است. دولتی‌ها هم مراقب باشند، دودستگی در مردم به‌وجود نیاورند، حاشیه‌سازی نکنند، بعضی حرفهای غیرلازم مطرح نشود؛ این یکپارچگی مردم ما، این همت بلند مردم ما، این ایمان مردم ما، درست مورد استفاده قرار بگیرد، ان‌شاءالله راه این کشور باز بشود.

من به شما عرض میکنم، همچنان که امروز با اوّل انقلاب ما از زمین تا آسمان تفاوت کردیم - ما خیلی پیش



رفتیم، ما با بیست سال پیش هم تفاوت کردیم، با ده سال پیش هم تفاوت کردیم، جلو رفتیم - مطمئناً ملت ایران این راه افتخارآمیز را روزبه‌روز جلو خواهد رفت و ملت ایران، همین شما جوانها به توفیق الهی، به فضل پروردگار خواهید دید آن روزی را که دشمنان مستکبر گردنکش ظالم پُرووی شما، در مقابل شما مجبور به خضوع و خشوع بشوند.

رحمت خداوند بر امام بزرگوارمان که راه ایستادگی و توکل به خدا و بصیرت را در مقابل پای ما گذاشت، رحمت خدا بر شهیدان عزیزمان که در این راه حرکت کردند و رحمت خدا بر شما عزیزان، جوانان، انسانهای پُرانگیزه که این راه را تا امروز ادامه دادید.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

(۱) فراموش کردن

(۲) اعتراف رئیس جمهور آمریکا و معاون وقت رئیس جمهور سابق این کشور به شکنجه‌ی زندانیان در سازمان سیا.
(۳) حيله‌گر